



The Political and Social Function of Dreams in View of the Mystics of Timurids

Somayeh Aghamohammadi¹ Mostafa Gohari Fakhrrabad² Abbas Aghdasi³ Mahdi Mojtahedi⁴

1. Ph. D in history and civilization of Islamic nations, faculty of theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: somaye.aghamohammadi@gmail.com
2. Assistant professor of history and civilization of Islamic nations, faculty of theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: gohari-fa@um.ac.ir
3. Assistant professor of history and civilization of Islamic nations, faculty of theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: aghdassi@um.ac.ir
4. Assistant professor of history and civilization of Islamic nations, faculty of theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: mmojtahedi@um.ac.ir

Abstract:

The great credence given to the dreams in the post-Mongol period and their functions is one of the significant historical issues. This research, taking advantage of the descriptive-analytical method and analyzing the biographies of the mystics of Timurid era, has examined dreams in their view and practice. By examining the aforementioned issue, it is possible to obtain the beliefs and thoughts of Timurids and to recognize the functions of dreams in the political, religious and social affairs of the mystics. The results of these studies clarify that the dreams, as a source of inspiration, were popular and accepted by the Timurids and they were of various usages for them. Decision-making about the various issues, such as following a Sufi master, guiding individuals towards the disciple and mentor, forgiving the sins, knowing the truths, knowing the consciences of individuals, strengthening the religion and law, salvation in the afterlife, and claiming Mahdism, are among these functions that were often in the path of advancing various political, social, and religious goals.

Keywords: dream, dream interpretation, Timurids, mystics, Sufis.

Article Info:

Article type: Research Article

Article history: Received May, 24, 2021

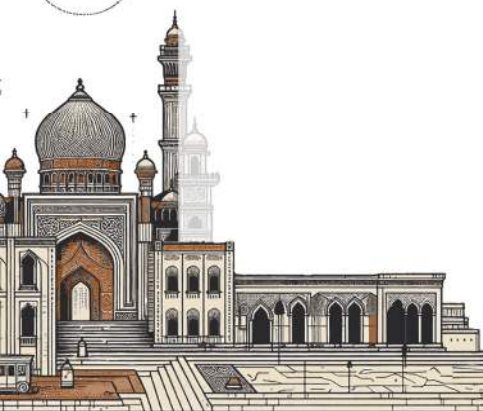
Received in revised form September, 23, 2021

Accepted October, 13, 2021

Published online December, 21, 2024

Cite this article:

Aghamohammadi, S., Gohari Fakhrrabad, M., Aghdasi, A., Mojtahedi, M. (2024). The Political and Social Function of Dreams in View of the Mystics of Timurids. *History of Islam*, 25(4), 145-168.
<https://doi.org/10.22081/hiq.2023.60995.2178>



Bagher Al-Olum
University



ISSN
2783-414X

Publisher: Bagher Al-Olum University. © The Author(s).



وظيفة "الحلم" السياسية والاجتماعية في الفكر والممارسة الصوفية في العصر التيموري

سمية أقامحمدي^١ مصطفى كوهري فخرآباد^٢ عباس أقدسي^٣ مهدي مجتهد^٤

١. طالب دكتوراه في تاريخ وحضارة الأمم الإسلامية، كلية اللاهوت، جامعة فردوسي مشهد، مشهد، إيران.

البريد الإلكتروني: somaye.aghamohammadi@mail.um.ac.ir

٢. أستاذ مساعد، قسم تاريخ وحضارة الأمم الإسلامية، كلية اللاهوت، جامعة فردوسي مشهد، مشهد، إيران،

(المؤلف المسؤول)، البريد الإلكتروني: gohari-fa@um.ac.ir

٣. أستاذ مساعد، قسم تاريخ وحضارة الأمم الإسلامية، كلية اللاهوت، جامعة فردوسي مشهد، مشهد، إيران .

البريد الإلكتروني: aghdassi@um.ac.ir

٤. أستاذ مساعد، قسم تاريخ وحضارة الأمم الإسلامية، كلية اللاهوت، جامعة فردوسي مشهد، مشهد، إيران.

البريد الإلكتروني: mmojtahedi@um.ac.ir

تاريخ الإسلام = المجلد ٢٥، الفصل الرابع، العدد ١٠٠

الملخص:

يعد الاعتماد الكبير على "الحلم" في فترة ما بعد المغول واستخدامه من القضايا التاريخية الهامة. وقد تناول هذا البحث بالمنهج الوصفي - التحليلي وتحليل الكتب المقدسة وسير عرفاء العصر التيموري، بدراسة "الحلم" في فكرهم وممارستهم (٧٧١-٩١٣ هـ ق). ومن خلال دراسة الموضوع المذكور أعلاه، يمكن الحصول على معتقدات وأفكار أهل العصر التيموري من ناحية، ومن ناحية أخرى يمكن فهم تطبيقات الحلم في الشؤون السياسية والدينية والاجتماعية للعرفاء.

وتظهر نتائج هذه الدراسات أن الحلم كمصدر للإلهام كان مفضلاً ومقبولاً لدى أبناء المجتمع التيموري وكان له استخدامات مختلفة لهم. اتخاذ القرارات في أمور مختلفة، مثل: إتباع معلم صوفي، وإرشاد الناس إلى المريد والمرشد، وغفران الذنوب، ومعرفة الحقائق، والوقوف على الضمائر الشخصية، وتقوية الدين والشرعية، والسعادة في الآخرة، وإدعاء المهودية، من ضمن هذه الاستخدامات التي كانت في كثير من الأحيان في طريق تحقيق أهداف سياسية واجتماعية ودينية مختلفة.

الكلمات المفتاحية: الحلم، تفسير الحلم، التيموريون، العرفاء، الصوفيون.

معلومات المقالة:

نوع المقالة: بحثية

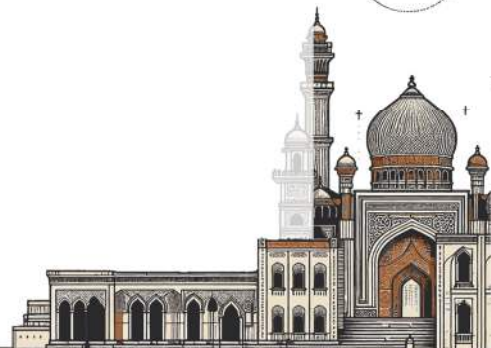
تاريخ الاستلام: ٢٠٢١/٠٥/٢٤ | تاريخ المراجعة: ٢٠٢١/٠٩/٢٣ | تاريخ القبول: ٢٠٢١/١٠/١٣ | تاريخ النشر: ٢٠٢٤/١٢/٢١

استناداً إلى هذه المقالة:

أقامحمدي، سمية؛ كوهري فخرآباد، مصطفى؛ أقدسي، عباس؛ مجتهد، مهدي (٢٠٢٤). وظيفة "الحلم" السياسية والاجتماعية في الفكر والممارسة الصوفية في العصر التيموري. تاريخ الإسلام، ٢٥ (٤)، ١٤٥-١٦٨. <https://doi.org/10.22081/hiq.2023.60995.2178>



الناشر: جامعة باقر العلوم والإسلام © المؤلفون.





کارکرد سیاسی و اجتماعی رؤیا در اندیشه و عمل عرفای دوره تیموری

تاریخ اسلام || سال بیست و پنجم، شماره صد، دی ۱۴۰۳

سمیه آقامحمدی^۱ مصطفی گوهری فخرآباد^۲ عباس اقدسی^۳ مهدی مجتهدی^۴

۱. دانش‌آموخته دکترای تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: somaye.aghamohammadi@mail.um.ac.ir
۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، (نویسنده مسئول). رایانامه: gohari-fa@um.ac.ir
۳. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: aghdassi@um.ac.ir
۴. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: mmojtahedi@um.ac.ir

چکیده:

اعتباربخشی فراوان به رؤیا در دوره پس از مغول و استفاده از آن، یکی از موضوعات قابل توجه تاریخی است. این پژوهش، با روش توصیفی - تحلیلی و واکاوی اولیاءنامه‌ها و زندگی‌نامه‌های عرفای عصر تیموری، به بررسی رؤیا در اندیشه و عمل آنها (۷۷۱-۹۱۳ق) پرداخته است. با بررسی موضوع مذکور، از یک طرف می‌توان باورها و اندیشه‌های مردم دوره تیموری را به دست آورد و از جانب دیگر، کاربردهای رؤیا را در امور سیاسی، مذهبی و اجتماعی عرفا شناخت.

نتایج این بررسی‌ها، نشان می‌دهد که رؤیا به‌عنوان منبع الهام، مورد اقبال و پذیرش مردم جامعه تیموری بود و کاربردهای متفاوتی برای آنان داشت. تصمیم‌گیری درباره امور مختلف، مانند: پیروی از یک استاد صوفی، هدایت افراد به سوی مرید و مرشد، بخشش گناهان، آگاهی از حقایق، وقوف بر ضمائر افراد، تقویت دین و شرع، رستگاری در آخرت و ادعای مهدویت، از جمله این کاربردهاست که اغلب در مسیر پیشبرد اهداف گوناگون سیاسی، اجتماعی و مذهبی قرار داشت.

واژه‌های کلیدی: رؤیا، تعبیر رؤیا، تیموریان، عارفان، صوفیان.

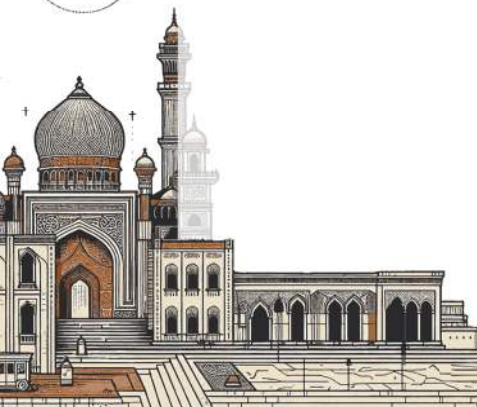
اطلاعات مقاله:

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳ | تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

استناد:

آقامحمدی، سمیه؛ گوهری فخرآباد، مصطفی؛ اقدسی، عباس؛ مجتهدی، مهدی (۱۴۰۳). کارکرد سیاسی و اجتماعی رؤیا در اندیشه و عمل عرفای دوره تیموری. ۲۵(۴). ۱۴۵-۱۶۸. <https://doi.org/10.22081/hiq.2023.60995.2178>



نویسندگان. © ناشر: دانشگاه باقرالعلوم

شاپا الکترونیکی
۲۷۸۳-۴۱۴X

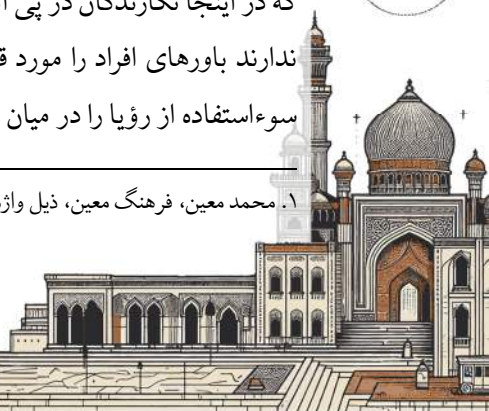


مقدمه

سلسله تیموری (۷۷۱-۹۱۳ق)، با حکومت تیمور آغاز شد. قلمروی، از هند در شرق تا شام در غرب را شامل می‌شد. پس از مرگ تیمور (۸۰۷ق) و تجزیه قلمرو وسیع وی، فرزندش شاهرخ (حک: ۸۱۱-۸۵۰ق) موفق شد در شرق ایران حکومت قدرتمندی را به پایتختی هرات تشکیل دهد که با وجود کاستی‌های ساختاری، مدت یک صد سال دوام یافت. پس از مرگ هریک از سلاطین مقتدر تیموری، جریان تجزیه قلمرو و سپس انسجام دوباره آن، تکرار شد. در حکومت مقتدر تیموری، توجه به مشایخ صوفی، یکی از ارکان اصلی کسب مشروعیت‌شان بود؛ زیرا مردم آن روزگار، اعتقاد استواری به این افراد داشتند. یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که مشایخ تصوف از آن برای امور مختلف طریقتی خود بسیار استفاده می‌کردند، رؤیا و تعبیر آن بودند؛ چنان‌که اکثر آنها ادعا داشتند در این علم تبحر دارند. در این مقاله، انواع کارکردهای رؤیاهایی که عرفا مدعی دیدن آن بودند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

خواب، حالتی است توأم با آسایش و آرامش که بر اثر از کار بازماندن حواس ظاهر در انسان و حیوان پدید می‌آید. رؤیا آن چیزی است که در خواب دیده می‌شود و انواع مختلفی دارد که یکی از آنها رؤیاهای صادقانه است.^۱ اعتبار بخشی بیش از اندازه به رؤیا در دوره پس از مغول و سوءاستفاده از آن، یکی از موضوعات قابل توجه تاریخی است. از این رو، بررسی کاربرد آن توسط عرفا در دوره تیموری (۹۱۳-۷۷۱ق)، شناخت بهتر اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی ایران را فراهم می‌سازد و تأثیر این رؤیاها را در حوادث تاریخی نشان می‌دهد. بر این اساس، این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی درصدد برآمد به این پرسش پاسخ دهد که «رؤیا در اندیشه و عمل عرفای دوره تیموری چگونه بوده است؟» ناگفته نماند که در اینجا نگارندگان در پی اثبات صحت یا عدم صحت رؤیاها نبوده و به هیچ عنوان قصد ندارند باورهای افراد را مورد قضاوت قرار دهند؛ بلکه تنها برآن هستند تا کارکرد، حُسن یا سوءاستفاده از رؤیا را در میان صوفیه دوره تیموری روشن سازند.

۱. محمد معین، فرهنگ معین، ذیل واژه «خواب»؛ جامی، نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص، ص ۱۵۹.





از جمله تحقیقات معاصر درباره استفاده از رؤیا در تاریخ اسلام، کتاب رؤیا و سیاست در عصر صفوی به قلم نزهت احمدی است که با مراجعه به منابع تاریخی، رؤیاهای بیان شده در دوره صفوی را دسته‌بندی و تحلیل نموده است. نویسنده در این کتاب، به این نتیجه رسیده که رؤیاها غالباً برای موجه نشان دادن اعمال و رفتار شاهان، کسب مشروعیت و نفوذ در بین رعیت ذکر شده است و هرچه پذیرش موضوعی به طور ساده دشوار به نظر می‌رسیده، با بیان رؤیایی سعی شده قبول آن را طبیعی جلوه دهند.^۱

عیسی نجفی و قدرت‌الله علیرضایی در مقاله «خاستگاه و منشأ رؤیاهای مشایخ در تذکرة الأولیاء» نخست رؤیاهای نقل شده در این کتاب را از لحاظ کمی و موضوعی تقسیم‌بندی کرده و در پایان، ارتباط رؤیاهای تعریف شده را با واقعیات زندگی شخصیت‌ها بررسی نموده‌اند.^۲ منصور ثروت نیز در مقاله «رؤیا و نقش آن در متون عرفانی»، ماهیت و چیستی رؤیا، انواع رؤیا، میزان بهره‌گیری متون از رؤیا، نقش رؤیا در نزد عارفان و منشأ قبولی رؤیا نزد عارفان را تا پایان قرن هفتم بررسی کرده است. وی به این نتیجه رسیده است که نفس رؤیا نزد عارفان دارای اهمیت نبوده؛ بلکه رؤیا وسیله و ابزاری برای توضیح و ترویج نظریه خاصی بوده است و بر این اساس، گذشتگان در سبک و سنگین کردن صحت رؤیاهای منقول، خیلی سختگیری نکرده‌اند.^۳

مقاله «رؤیاهای شیخ صفی‌الدین و تاریخ نوشته‌های صفوی»، به پیشینه رؤیاهای سیاسی مرتبط با سلسله صفوی پرداخته است.^۴ در مقاله «خواب‌نامه‌نویسی در زبان و ادبیات فارسی؛ سیری در مهم‌ترین خواب‌نامه‌های فارسی»،^۵ نویسنده هدف خود را بررسی و معرفی خواب‌نامه‌های فارسی و بیان

۱. نزهت احمدی، رؤیا و سیاست در عصر صفوی احمدی، تهران، تاریخ ایران، ۱۳۸۸.

۲. نجفی و علیرضایی، «خاستگاه و منشأ خواب‌های مشایخ در تذکرة الأولیاء»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، ش ۲۲، ص ۲۵۹-۲۹۲.

۳. منصوره ثروت، «رؤیا و نقش آن در متون عرفانی به قلم زبان و ادب فارسی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ش ۲۱۱، ص ۱-۱۷.

۴. کوین، «رؤیاهای شیخ صفی‌الدین و تاریخ نوشته‌های صفوی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۳۷ و ۳۸، ص ۱-۱۲.

۵. مختار کمیلی، «خواب‌نامه‌نویسی در زبان و ادبیات فارسی؛ سیری در مهم‌ترین خواب‌نامه‌های فارسی»، پژوهش‌های ادب عرفانی، ش ۸، ص ۱۳۵-۱۵۸.





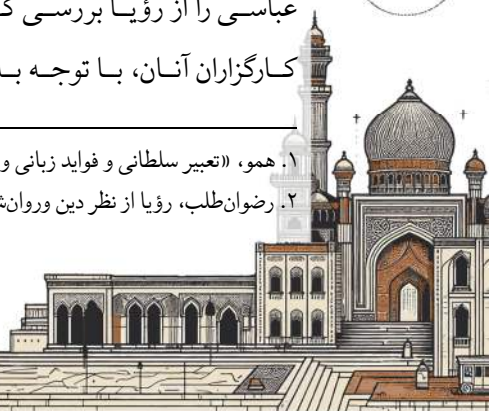
فواید زبانی، ادبی و اجتماعی آنها دانسته است. نویسندگان به منظور معرفی و بررسی خواب‌نامه‌های فارسی، به طبقه‌بندی این کتب پرداخته است. در ابتدا آنها را به خواب‌نامه‌های منظوم و خواب‌نامه‌های منشور تقسیم می‌کند. خواب‌نامه‌های منظوم، خود به دو گونه می‌شوند: اول، ضبط و تعبیر رؤیا در قسمتی از یک اثر، مانند: اشعار خاقانی و عطار و جامی و خواب‌نامه مندرج در حذیقه الحقیقه که کهن‌ترین خواب‌نامه منظوم فارسی در ۹۶ بیت است.

دوم، آثار منظوم با موضوع تعبیر خواب، مانند منظومه خرگوشی. خواب‌نامه‌های منشور مستقل فارسی، عبارت‌اند از: خواب‌گزاری از مؤلفی ناشناخته، التعبیر فی علم التعبیر، کامل التعبیر و تعبیر سلطانی. در پایان، نویسندگان دو ویژگی مشترک برای خواب‌نامه‌های منشور فارسی بیان می‌کند که عبارت‌اند از: تأثیرپذیری از خواب‌نامه‌ها و خواب‌گزاری‌های عربی؛ و دیگر، شباهت خواب‌نامه‌های فارسی با هم. مقاله «تعبیر سلطانی و فواید زبانی، ادبی و مردم‌شناختی آن»، به معرفی کتاب تعبیر سلطانی و شیوه نگارش آن پرداخته است. نکته درخور توجهی که در این مقاله طرح شده، بازتاب تاریخ اجتماعی در رساله‌های تعبیر خواب است. به نوشته او، «در تعبیر سلطانی، گوشه‌هایی از تاریخ اجتماعی ما بازتاب یافته است. در آن می‌توان با امیدها، آرزوها، هراس‌ها، دل‌نگرانی‌ها و اوضاع معیشتی مردم در قرن هشتم هجری آشنایی یافت.»^۱ محمدرضا رضوان‌طلب نیز در کتاب رؤیا از نظر دین و روان‌شناسی به بررسی رؤیا از منظر روان‌شناسی و آموزه‌های قرآنی پرداخته است.^۲

امام‌علی شعبانی در کتاب عباسیان؛ رؤیا و سیاست، بهره‌برداری خلفای عباسی را از رؤیا بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که خلفای عباسی و کارگزاران آنان، با توجه به مشکلات و چالش‌های مشروعیتی، در طول حکومت

۱. همو، «تعبیر سلطانی و فواید زبانی و مردم‌شناختی آن»، نامه فرهنگستان، ش ۴۶.

۲. رضوان‌طلب، رؤیا از نظر دین و روان‌شناسی، ص ۱۳۷.





طولانی بر جامعه مسلمان، از مجرای رؤیا و با ادعای ارتباط با مبدأ غیب و الهام گرفتن از امور ماوراء الطبیعه، به اهداف سیاسی - اجتماعی خود دست یافته‌اند.^۱

علی منتظری در کتاب خواب و رؤیا؛ بررسی و تحلیل از دیدگاه قرآن و حدیث، به بررسی و تبیین حقیقت رؤیا و چگونگی تحقق آن، رؤیا در قرآن و روایات، حجیت و ارزش رؤیا از منظر قرآن و روایات، اقسام رؤیا، عوامل تأثیرگذار در رؤیا و فواید و کارکردهای رؤیا پرداخته است.^۲

غلامرضا افراسیابی در مقاله «منابع و قواعد تعبیر رؤیا در متون حکمی و عرفان»، به بررسی منابع و قواعد تعبیر رؤیا از دیدگاه قدما پرداخته است. سپس، منابع و قواعدی را که اهل عرفان و حکمت و معبران، در تأویل و تعبیر رؤیا از آنها استفاده می‌کردند، بررسی کرده است و به بررسی احوال رؤیابین، اختلاف زمان و مکان پرداخته است. نویسنده در این مقاله، به این نتیجه رسیده است که قواعد تدوین‌شده برای تعبیر رؤیا، نسبی‌اند و اصولاً نمی‌توان برای یک نماد، معنایی که در همه شرایط مفهوم یکسان داشته باشد، قائل شد. نتیجه دیگری که از این مقاله به دست می‌آید، آن است که بنیان تحلیل روان‌کاوی امروزی از رؤیا، با بنیان تعبیر خواب‌گزاران اسلامی، متفاوت است.^۳

یوسف رحیم‌لو در مقاله‌ای با عنوان «خواب دیدن در سنت و سیاست صفویان»، به بررسی رؤیاهای شیوخ و پادشاهان صفوی پرداخته است و به این نتیجه رسیده که اهل سیاست در دوره پیش از سلطنت و در نیمه نخست پادشاهی آن دودمان، از رؤیا برای رسیدن به اهدافشان بهره گرفته‌اند.

با وجود این و با توجه به اهتمام بسیار زیاد اندیشمندان حوزه‌های مختلف به موضوع رؤیا، هنوز کتاب یا مقاله‌ای با موضوع ذکرشده در حیطه زمانی این پژوهش به نگارش در نیامده است.

۱. امامعلی شعبانی، عباسیان؛ رؤیا و سیاست، اراک، دانشگاه اراک، ۱۳۹۴.

۲. علی منتظری، خواب و رؤیا؛ بررسی و تحلیل از دیدگاه قرآن و حدیث، تهران، هستی‌نما، ۱۳۸۳.

۳. غلامرضا افراسیابی، «منابع و قواعد تعبیر رؤیا در متون حکمی و عرفان»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست‌ودوم، شماره اول (پیاپی ۴۲)، ص ۱۳۸-۱۴۸.





زمینه‌ها و کارکردها

در ادامه، به بررسی دلایل و زمینه‌های استقبال از رؤیا در عصر تیموری و نیز کارکردهای آنها می‌پردازیم:

۱. زمینه‌های استقبال از رؤیا در جامعه

اوضاع آشفته ایران بعد از تهاجم مغول، اعطای سیورغالات، ورشکستگی زارعان، تحمیل مالیات‌های سنگین و جدید، تحمیل هزینه‌های لشکرکشی بر دوش مردم، مصادره اموال، کشتار مردم، خالی شدن خزانه دولت و فشار اقتصادی، قحطی، خشکسالی، افول عقل‌گرایی، فساد و بیماری، محاصره شهرها، تعطیلی کسب‌وکار و تجارت در شهرها و ویرانی مزارع در مناطق روستایی^۱ بر اقشار ضعیف جامعه، فضایی آکنده از نارضایتی و مخالفت را در بین مردم پدید آورده بود. مردم از مشاهده این همه نابسامانی و پریشانی، به افکار انزواگرایانه و انقطاع از دنیای فانی روی آورده و این طرز فکر که هجوم بیگانگان، امری قهری و مشیت یا قضا و قدر الهی بوده است، رفته‌رفته به تفکری رایج تبدیل شد که نتیجه آن، رواج رؤیا و تعبیر آن بود.^۲

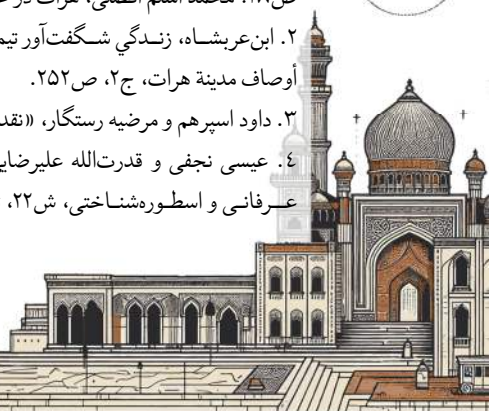
در این میان، عرفا و متصوفه نیز در سوق دادن توده مردم به رؤیا نقش مهمی داشتند. شماری از آنها با ترویج روحیه دنیاگریزی، توده مردم را به انزوای بیشتر از دنیا و نعمات آن سوق دادند و این طرز فکر را که هجوم بیگانگان، امری قهری، مشیت یا قضا و قدر الهی بوده، در جامعه ترویج کردند.^۳ در واقع، رؤیاها نقش مهمی در سوق دادن و هدایت جامعه به سوی باور و ارزش خاصی داشتند و این افراد با متصل کردن آموزه‌های خود به امور ماوراء الطبیعه مانند رؤیا، به‌راحتی در اذهان مریدان، پیروان و به‌طور کلی توده مردم نفوذ می‌کردند؛^۴

۱. حسین مجتبی، هرات در عهد تیموریان، ص ۷۳ و ۹۲؛ عبدالحکیم طبیبی، تاریخ مختصر هرات در دوره تیموریان، ص ۲۸؛ محمد اسلم افضل، هرات در عهد تیموریان، ۱۳۹۰.

۲. ابن عربشاه، زندگی شگفت‌آور تیمور، ص ۳۲۲؛ معین‌الدین محمد زمچی اسفزاری، روضات الجنات فی أوصاف مدینه هرات، ج ۲، ص ۲۵۲.

۳. داود اسپرهم و مرضیه رستگار، «نقد آداب طعام در تصوف»، پژوهشنامه عرفان، ش ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵.

۴. عیسی نجفی و قدرت‌الله علیرضایی، «خاستگاه و منشأ خواب‌های مشایخ در تذکرةالاولیاء»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ش ۲۲، تابستان ۹۵، سال دهم، ص ۲۸۶.





به عبارت دیگر، عرفا از ترویج رؤیا برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کردند؛ چراکه رؤیا در زندگی اهل تصوف، اهمیت و کاربردهای بسیاری داشت. تصمیم‌گیری درباره امور مختلف، از جمله پیروی از یک استاد صوفی، هدایت افراد به سوی مراد و مرشد، بخشش گناهان، یافتن پاسخ بسیاری از سؤالات،^۱ آگاهی از حقایق و فیوض الهی، وقوف بر ضمائر افراد، تقویت دین و شرع، رستگاری در آخرت و دوری از هلاکت،^۲ ادعای مهدویت،^۳ ساخت ابنیه دینی از قبیل خانقاه و مقبره،^۴ از طریق رؤیا به دست می‌آمد.

۲. کارکردهای رؤیا

از پدیده خواب، در این دوره استفاده‌های چند منظوره می‌شد و کارکردهای متفاوتی برای طبقات مختلف مردم داشت. تمام گروه‌های جامعه، اعم از طبقات مذهبی مثل صوفیه، سادات و علما، و غیر مذهبی مانند: سلاطین، درباریان و مردم عادی، هرکدام از رؤیا به‌عنوان وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کردند. طبقات مذهبی، از جمله عرفا که مدعی ارتباط با نیروهای فرا بشری بودند، برای قوت بخشیدن به این ارتباط، به رؤیا متوسل می‌شدند و ادعا می‌کردند که از این طریق، با ماورای طبیعت مرتبط‌اند. به دلیل اهمیت یافتن رؤیا در این دوره، بعضی از فرقه‌ها و مکاتب عرفانی که ادعای اصلاح جامعه را داشتند، به تدریج و با گذر ایام، مدعی مهدویت شدند.^۵ آنچه وسیله یا دستاویز مهدویت یا بابت حضرت

۱. بناتریس فوربز منز، قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری، ص ۳۱۶.

۲. دولتشاه‌بن‌بختیشاه سمرقندی، تذکره الشعراء، ص ۳۴۷؛ غیاث‌الدین‌بن‌همام‌الدین خواند میر، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۴، ص ۶۵۵؛ فخرالدین علی کاشفی، رشحات عین الحیات، ص ۱۲۰-۱۲۱؛ عبدالرحمن‌بن‌احمد جامی، نفحات الأنس من حضرات القدس، ص ۴۰۳-۴۰۴؛ ذبیح‌الله صفاء، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۹۱؛ حسن‌بن‌محمد دیلمی، إرهاب الجنوب (إرشاد القلوب دیلمی)، ج ۱، ص ۲۶۴.

۳. دانشگاه کمبریج، تاریخ ایران در دوره تیموریان، ص ۳۱۱؛ محمدامیر شیخ‌نوری، «نهضت حروفیه در ایران»، مجله نامه انجمن، ش ۹، ۱۳۸۲، ص ۲۲؛ حافظ ابرو، زبدة التواریخ، ج ۱، ص ۴۶۰؛ منز، قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری، ص ۳۱۷.

۴. مجتبی گراوند، «بررسی وضعیت اقتصادی شیعیان در شهرهای خراسان دوره تیموری»، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دو فصل بهار و تابستان، شماره هشتم، ۱۳۹۸، ص ۲۶۵؛ مهدی یکه‌خانی، «تاریخ اجتماعی شیعیان ایران در دوره تیموریان با تأکید بر آداب و رسوم مذهبی»، فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش، ش ۱۳، بهار ۱۳۹۲، ص ۳۲.

۵. منز، قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری، ص ۳۱۷.





مهدی علیه السلام می‌شد، رؤیاها بودند. آنها ادعا می‌کردند که حضرت مهدی نکته یا امری را از مجرای رؤیا به آنان انتقال داده است، یا اینکه به تدریج خودشان با ادعای اینکه از طرف پیامبر یا شخص دیگری به عنوان مهدی منصوب شده‌اند، ادعای مهدویت می‌کردند.^۱

همچنین، طبقات دینی نیز پاسخ بسیاری از سؤالات را به خواب‌هایی که قرار بود ببینند یا خواب‌هایی که دیده بودند، مربوط می‌کردند.^۲ ساخت ابنیه دینی از قبیل خانقاه و مقبره، گاه بر اساس خواب‌هایی بود که دیده می‌شد و این ابنیه دینی، خود موجب رونق کار مردان دین می‌شد.^۳ علاوه بر این، تصمیم‌گیری درباره امور مختلف، از جمله پیروی از یک استاد صوفی، هدایت افراد به سوی مراد و مرشد، بخشش گناهان، آگاهی از حقایق و فیوض الهی، وقوف بر ضمایر افراد، تقویت دین و شرع، رستگاری در آخرت و دوری از هلاکت، تألیف کتب خاص، یادگیری هنری خاص، آگاهی از صحت و ضعف احادیث، استنتاج و حصول علوم نیز از طریق خواب به دست می‌آمد.^۴

در ادامه، کارکردهای رؤیا برای عرفای دوره تیموری مورد بحث قرار خواهد گرفت:

۱.۱. پرسش‌های علمی از بزرگان دین

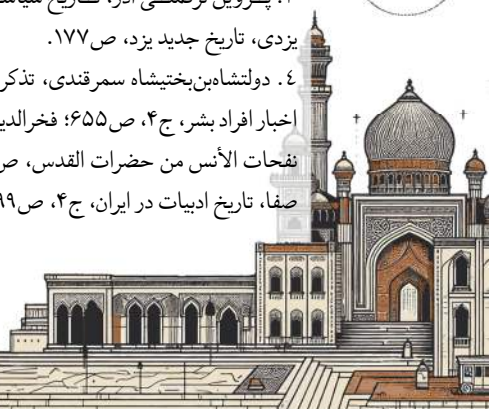
ادعای گرفتن پاسخ سؤالات در رؤیا توسط عرفا، یکی از ساده‌ترین و آسان‌ترین کارهایی بود که یک عارف، به‌ویژه اگر فاقد اطلاعات کافی در زمینه علوم و معارف بود، می‌توانست انجام دهد. بر این اساس، هر سؤالی نزد آنان پاسخی درخور داشت و آنها را از ننگ ندانستن پاسخ سؤالات رهایی می‌داد یا برای پاسخ‌های ساده خود، قداست و مشروعیت کسب می‌کردند و آن را واجد

۱. دانشگاه کمبریج، تاریخ ایران در دوره تیموریان، ص ۳۱۱؛ شیخ نوری، «نهضت حروفیه در ایران»، مجله نامه انجمن، ش ۹، ۱۳۸۲، ص ۲۲؛ حافظ ابرو، زبدة التواریخ، ج ۱، ص ۴۶۰.

۲. منز، قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری، ص ۳۱۶.

۳. پروین ترکمنی آذر، تاریخ سیاسی شیعیان اثنی‌عشری در ایران، ص ۳۲۵؛ احمد بن حسین بن علی کاتب یزدی، تاریخ جدید یزد، ص ۱۷۷.

۴. دولتشاه بن یخ‌تیشه سمرقندی، تذکره الشعرا، ص ۳۴۷؛ غیاث الدین بن هماد الدین خواند میر، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۴، ص ۶۵۵؛ فخرالدین علی کاشفی، رشحات عین الحیات، ص ۱۲۰-۱۲۱؛ عبدالرحمن بن احمد جامی، نفحات الأنس من حضرات القدس، ص ۴۰۳-۴۰۴؛ آنه ماری شیمل، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ص ۵۹؛ ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۱۹۹؛ حسن بن محمد دیلمی، إرهاب الجنوب، ج ۱، ص ۲۶۴.





اهمیت بسیار می‌ساختند. در واقع، عرفا برای اقناع مردم، بالا بردن جایگاه عالم یا کتابی خاص و پاسخ سؤالاتی که گاهی از فهم و درک آنها عاجز بودند، رؤیا را بهترین وسیله ارجاع می‌دانستند.^۱

برای نمونه، امیر اصیل‌الدین عبدالله الحسینی الدشتکی الشیرازی (د. ۸۸۳ق) مدعی شد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در رؤیا دید و کتاب مشکات خود را نزد حضرت برده، از کیفیت صحت و ضعف احادیث مذکور در آن سؤال نمود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کتاب را گرفته، ورق‌ورق از نظر گذرانید و بر اکثر احادیث آن که از جمله احادیث مجعول بود، انگشت محو کشید.^۲

نمونه بعدی، پیرجمالی اردستانی (م. ۸۷۹ق) است که در میان عرفا و بزرگان تصوف، بیش از همه به مولانا جلال‌الدین بلخی عشق می‌ورزید و جایگاه او را والاترین مقام در میان عارفان می‌شناخت و برای ترویج این اندیشه در میان مردم، این علاقه خود را مستند به رؤیا نموده، گفت:

«در رؤیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دیدم که فرمودند: بعد از قرآن و حدیث مصطفی صلی الله علیه و آله، هیچ کتابی بهتر از مثنوی مولانا جلال‌الدین رومی نیست. نه حدیقه سنائی و فصوص شیخ محیی‌الدین عربی، خواه هیلاج شیخ عطار و خواه دیگر کتب.»^۳

نمونه بعدی، کمال‌الدین حسین بن حسن خوارزمی (م. ۸۴۰ق) است که روزی استادش خواجه ابوالوفا به او گفت:

«مولوی را در شکل و هیئت تو در رؤیا دیدم که مشکلات مثنوی را حل می‌کرد. باید که تو این کار را انجام داده و به اتمام برسانی.»

کمال‌الدین با شنیدن این بشارت و اجازت، به شرح کتاب اشتغال یافت و بعد از اتمام، آن را جواهر الأسرار و زواهر الأنوار نام نهاد.^۴

۱. منز، قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری، ص ۳۱۶.

۲. شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۲۷.

۳. اردستانی، مرآت الأفراد، ص ۲۰۳؛ همچنین، ر.ک: بدخشی، خلاصة المناقب، ص ۲۲۱.

۴. خوارزمی، ینبوع الأسرار، ص ۳۹.





۲.۲. هدایت افراد به سوی مشایخ

وجود شیخ و مقام و جایگاه او، یکی از ارکان اساسی عرفان اسلامی در رسیدن سالک به مراحل کمال و طی کردن منازل و مقامات عرفانی است. کلمه «شیخ» از آنجایی اهمیت می‌یابد که بسیاری از عرفا، وجود شیخ را در هدایت قوم، مانند وجود پیامبر در هدایت امت می‌دانند؛ یعنی همان‌طور که پیامبر با ظاهر ساختن معجزات، مأمور به هدایت مردم است و آنان را در رساندن به سعادت حقیقی یاری می‌دهد، شیخ نیز که ولی حقیقی به شمار می‌آید، با آشکار کردن کرامات خویش و دستگیری از رهروان و طالبان رسیدن به حضرت حق، آنان را در این راه راهنمایی می‌کند. بنابراین، سالک مانند طفلی در برابر پدر و مادر، تحت ولایت شیخ قرار می‌گیرد تا با اجرای اوامر و نواهی او، به مراتب کمال حقیقی واصل گردد.^۱

رؤیای مشایخ، با وجود محتوای شگفت‌انگیز و غیرقابل قبول، برای مریدان قابل پذیرش بود و همین ارادتمندی مریدان، باعث می‌شد عرفا برای بیان اندیشه‌های خود و گره‌گشایی از امور پیچیده و مجهول، به رؤیا متوسل شوند. نکته قابل توجه در این دسته از روایات، آن است که در پاره‌ای از رؤیایا، بیننده رؤیایا مشخص نیست و به صورت ناشناس از آنها یاد شده است؛^۲ برای نمونه، یکی از مشایخ مدت‌ها از خداوند می‌خواست که یکی از رجال غیب را به او نشان دهد. شبی خداوند را در رؤیا دید که او را به زیارت قبر احمد بن حنبل (۲۴۱-۱۶۴ق) راهنمایی کرد که کنار آرامگاه او، مردی ایستاده بود. شیخ بعد از بیداری به آن مکان رفت و مرد مذکور را همان‌جا پیدا کرده، به خدمتش مشغول شد.^۳

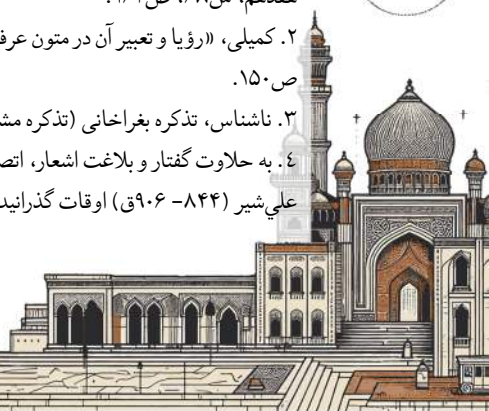
در برخی از رؤیایا نیز اسم عرفا به صراحت ذکر شده است و برای مخاطب آشنا و شناخته شده است؛ برای نمونه، صائن‌الدین اصفهانی (قرن نهم) درخواست و خواهش میر سید محمد بدخشی^۴ را که می‌خواست نزد وی معارف الهی بیاموزد، اجابت نمی‌کرد. شبی پیامبر

۱. جوهرچی و نبی‌لو، «بررسی نقش و جایگاه شیخ در طریقت کبرویه و مقایسه آن با دیدگاه شیعی»، «شیعه‌شناسی، سال هفدهم، ش ۶۸، ص ۱۶۲.

۲. کمیلی، «رؤیا و تعبیر آن در متون عرفانی و تفسیری تا اواخر قرن ششم هجری»، «مجله دانشکده زبان و ادبیات فارسی، ص ۱۵۰.

۳. ناشناس، تذکره بغراخانی (تذکره مشایخ اویسیه)، ص ۱۲۱.

۴. به حلاوت گفتار و بلاغت اشعار، اتصاف و تألیف قواعد آن فن همت داشت. مدت سی سال در ملازمت امیر نظام‌الدین علی شیر (۸۴۴-۹۰۶ق) اوقات گذرانید (نوابی، رجال کتاب حبیب السیر، ص ۲۲۲؛ خواندمیر، مآثر الملوك، ص ۲۳۳).





اکرم صلی الله علیه و آله را در رؤیا دید که از او خواست تا بدخشی را بپذیرد و صائن الدین به اشاره حضرت، درخواست سید محمد را پذیرفت.^۱ روایت اول، هدایت عارف از جانب شیخ، و روایت دوم راهنمایی مرشد به واسطه رؤیای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. این رؤیاها، نقش عمده‌ای در یارگیری و تشکیل طرق صوفیانه می‌توانست داشته باشد.

در نمونه‌ای دیگر، شیخ حافظ بهاء الدین عمر ابردهی (د. ۸۰۹ق)، شبی در رؤیا دید که در مجلسی جمعی از بزرگان جمع شده‌اند. ناگهان، شخص پُرهیتی از پشت پرده بیرون آمده و او را از آن مجلس برداشته و در کنار شیخ اخی علی - که در ده ویرانی به ارشاد مشغول بود - نهاده و به او گفت: این طفل را بگیر و به او شیر بده. شیخ حافظ از رؤیا بیدار شده، نزد شیخ اخی رفت و با وی بیعت کرد و به او پیوست.^۲

نمونه بعدی، خواجه بهاء الدین محمد بهاء الدین نقشبند بخاری (۷۱۸-۷۹۱ق) است که با دیدن رؤیایی و با هدایت حکیم آتا،^۳ به مسلک درویشی سفارش شد و بعد از تلاش‌های مکرر، او را یافته و بعد از آن، با او بیعت کرده، ملازم و همراهش گردید.^۴

نمونه بعدی، سعدالدین محمد کاشغری نقشبندی (د. ۸۶۰ق) است که برای تفسیر رؤیایش نزد زین الدین خوافی (۷۵۷-۸۳۸ق) آمد و پس از آن، خوافی پیشنهاد بیعت با خود را به سعدالدین داد. او موافقت کرد؛ اما قرار شد که منتظر یک نشانه بمانند و در رؤیا به او گفته شد که همه راه‌ها به یک جا ختم می‌شوند و او می‌تواند بدون وابستگی رسمی، برای درخواست کمک به زین الدین خوافی بپیوندد و او به شیخ پیوست.^۵

۳.۲. ادعای مهدویت از مجرای رؤیا

اوضاع آشفته ایران بعد از تهاجم مغول، نارضایتی از سلطه بیگانگان، سنگینی مالیات‌ها و فشار اقتصادی بر اقشار ضعیف جامعه، فضایی آکنده از نارضایتی و مخالفت را در بین

۱. علی بن ترکه، شرح نظم الدر (شرح قصیده تائیه ابن فارض)، ص ۷۸.

۲. جامی، نفحات الأنس، ص ۴۴۹.

۳. سومین خلیفه یسوی (م. ۵۲۸ق) و از مشهورترین خلیفه یسوی در بین ترکمن‌ها و ترک‌هاست. این اشتها، به سبب حکمت‌های اوست که به شیوه و سبک پیر خود سروده است.

۴. جامی، نفحات الأنس، ص ۴۳۹.

۵. کاشفی، رشحات عین الحیات، ص ۲۰۷-۲۰۸.





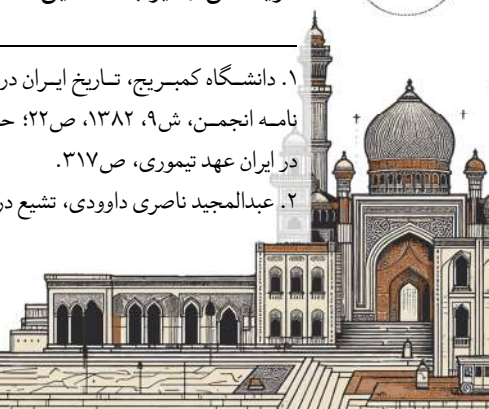
مردم پدید آورده بود که ایده ظهور یک منجی (مهدی) برای خاتمه دادن به همه مصائب و مشکلات را به ضرورتی عینی و فوری تبدیل می‌کرد؛ به عبارت دیگر، در شرایط حاکم بر آن دوره ایران، آموزه مهدویت، می‌توانست برای عامه جذابیت داشته باشد؛ به‌ویژه آنکه سران برخی نهضت‌ها ادعای ارتباط غیبی داشته و از این امور نیز برای جلب قلوب عامه بهره می‌گرفتند. این شرایط در کنار اهمیت یافتن رؤیا در این دوره، بعضی از فرقه‌ها و مکاتب صوفی را که ادعای اصلاح جامعه را داشتند، تحریک به ادعای مهدویت می‌نمود. این گروه‌ها مستند به رؤیا یا مدعی مأموریت از سوی حضرت مهدی علیه السلام شده و یا مدعی بودند که پیامبر صلی الله علیه و آله یا شخص دیگری او را مهدی خطاب نموده‌اند.^۱ از مصادیق این استنادات، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

فضل‌الله استرآبادی (۷۴۰-۷۹۶ق)، بنیان‌گذار فرقه حروفیه، در تعبیر رؤیا مهارت کامل داشت. سرآمدی و دقت او در تعبیر رؤیا، چنان بود که همواره مردم برای تعبیر رؤیا به او رجوع می‌کردند و پس از آنکه تعبیرات دقیق فضل‌الله را مطابق واقع می‌دیدند، به او اعتقاد پیدا می‌کردند. همین شرایط، موجب ادعاهایی از سوی وی شد و او مسلک تازه‌ای را عرضه کرد. در این طریقه، او در ردیف انبیایی چون: حضرت آدم علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرار گرفت و در سال ۷۷۶ق با ادعای دیدن رؤیای امام زمان علیه السلام که لباس سفید و پاکی را که به خودش تعلق دارد، بر فضل‌الله می‌پوشاند، مدعی مهدویت شد.^۲

نمونه بعدی، سید علاء‌الدین محمد موسوی، معروف به سید محمد نوربخش (م. ۸۶۹ق) است. آغاز کار و ادعاهای مهدویت او، آمیخته با رؤیاهایی است که شیخ اسحاق ختّانی (م. ۸۲۶ یا ۸۲۷ق) درباره او دیده است. ختّانی بر اساس رؤیایی اظهار کرد که نوربخش، مهدی امت است و او را برانگیخت تا خود را امام و خلیفه بخواند و آشکارا ادعای حکومت کند. سپس، خود با او بیعت کرد و مریدانش را نیز به همین کار امر نمود. رساله الهدی نوربخش را شاید بتوان یکی

۱. دانشگاه کمبریج، تاریخ ایران در دوره تیموریان، ص ۳۱۱؛ شیخ نوری، «نهضت حروفیه در ایران»، مجله نامه انجمن، ش ۹، ۱۳۸۲، ص ۲۲؛ حافظ ابرو، زبدة التواریخ، ج ۱، ص ۴۶۰؛ منز، قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری، ص ۳۱۷.

۲. عبدالمجید ناصری داوودی، تشیع در خراسان؛ عهد تیموریان، ص ۱۵۰.





از مهم‌ترین رسائل او به شمار آورد که در آن، دعوی مهدویت خود را آشکار می‌کند و بر این مدعا، رؤیاهای بزرگان سلف را در حق خود شاهد می‌آورد.^۱ او با نقل روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خود را در جایگاه امامت قرار داده و شناخت خود را به عنوان مهدی امت واجب دانسته و مصداق حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌دید:

«بر من واجب است که آنچه از اقوال متقدمان و مکاشفات متأخران در شأن این فقیر از نشانه‌ها و خصال و صفات و فضایل نقل شده است، بنویسم تا هر آن کس که مرا نمی‌شناسد، بشناسد و از جهل خلاصی یابد؛ همان‌طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.»^۲

۴.۲. آگاهی از فرجام نیک خود

رؤیای عرفا همچنین، زمینه و بستری برای آگاهی از عاقبت و فرجام امورشان را فراهم می‌آورد؛ عرفایی که مورد تأیید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده و همگی پایان و سرنوشت خوبی داشته و جز نیکی و سعادت چیز دیگری نصیبشان نشده است.^۳ در برخی از رؤیایها، حتی دوستی و محبت به عرفا باعث رضایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فرشتگان الهی می‌شود و زمینه‌ای است برای مشروعیت‌بخشی به کارهای آنها.

برای نمونه، مولانا زین‌الدین ابوبکر تایب‌ادی (م. ۷۹۱ق)، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در رؤیا دید که وعده دیدار درویش طوسی با مشخصات خاصی را به او داد. چون

۱. خواجه اسحاق ختلانی گوید: «بر من آشکار شده که تو مهدی آخرالزمان هستی... من دیدم که کمال یوسف صدیق بر تو افزوده شد... دیدم که قدم‌های تو از نور بود؛ چنان‌که به هر جایی که می‌رسی، آنجا را روشن می‌کرد.» استاد در تصوف و حدیث، محمود الکامل - قدس الله سره - کسی که مرا تربیت کرده و خواب‌های مرا تعبیر می‌نمود، گفت: «من در مراقبت بودم. تو را دیدم که روی تختی نشسته بودی. روی سرّت هم انبوهی موی بافته بود؛ چنان‌که علویان چنین‌اند. در دست، شش لؤلؤ داشتی که برخی کاملاً شفاف نبود. مردم نزد تو رفت‌وآمد کرده و با تو بیعت می‌نمودند و ما در آنجا یقین داشتیم که تو همان امام موعود هستی.» عمدة الواصلین و قدوة ارباب المکاشفة بالیقین خلیل‌الله بن رکن‌الدین بغلانی - قدس الله تعالی سره - گفت: «رسول خدا (ص) را دیدم که به مردم خطاب می‌کرد: بیایید با فرزند من بیعت کنید و با دست، اشاره به تو می‌کرد و آنان یقین داشتند که او، همان مهدی موعود است.» عارف مکاشف، محمد بن علی بن بهرام قاتنی - قدس الله تعالی سره - گفت: «من رسول خدا (ص) را دیدم. مسئله‌ای را در حقایق پرسیدم. در پاسخ فرمود: حقیقت اشیا را کسی جز مهدی نمی‌داند و با دست، اشاره به من کرد» (محمد نوربخش، من مهدی هستم، ص ۷۰۳-۷۰۴).

۲. غیاث‌الدین بن هماد الدین خواند میر، تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۴، ص ۳۴؛ شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۱۴۳؛ نوربخش، من مهدی هستم (ترجمه رساله الهدی)، ص ۲۰.

۳. علامه حلی، إرشاد القلوب، ص ۲۸.





بیدار شد، همان فرد را در بیداری دید؛ اما قبل از رسیدن بابا محمود طوسی، خود را بر زمین انداخته و سر در نمد کشیده، به او بی توجهی نمود. بعد از ساعتی، از جای برخاست و با شرم به او سلام داد و با خود گفت:

«ای بی ادب! کسی را تعظیم نمی کنی که دیشب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با وی ملاقات

کرد و او را به تونشان داد و فرشتگان آسمان از وی شرم می دارند؟»^۱

نمونه بعدی، مولانا شمس الدین محمد روجی (م. ۹۰۴ ق) است که پیوسته در آرزوی آن بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در رؤیا ببیند. شب جمعه ای خوابید و دید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با جمعی کثیر نشسته و به اطراف و جوانب عالم رسایل و مکاتیب می فرستند و کسی پیش آن حضرت نشسته و مکاتیبی را که آن حضرت املا می کردند، او می نوشت. مادر او از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کرد: یا رسول الله! مرا وعده داده بودید به فرزند صاحب دولت دراز عمر؛ این آن هست یا خیر؟ آن حضرت تأیید نمودند و برای او نیز مکتوبی نوشته شد.

نمونه بعدی، میر سید علی همدانی (۷۱۴-۷۸۶ ق) است که از قریه علی شاه ولایت ختانی، عازم حج شد. در یزد، صالحه ای دوازده هزار دینار نقره به او بخشید. وقتی سید علی آن مبلغ را نپذیرفت، آن صالحه ادعا کرد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در رؤیا دیده و ایشان نام و مشخصات سید علی را بیان کرده است و او یک سال است که منتظر یافتن شیخ است. میر سید همدانی با پذیرش رؤیای این صالحه، آن مبلغ را پذیرفت.^۲

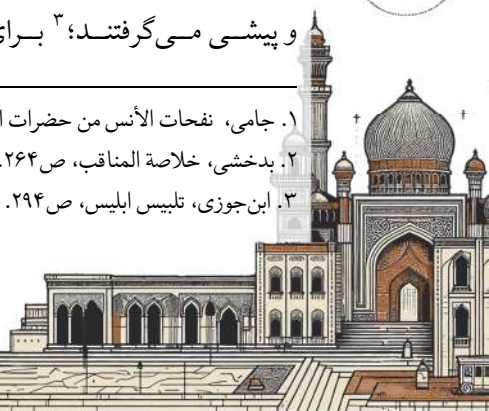
۵.۲. ازدواج

در مورد ازدواج، رویکردها و نگرش های مختلفی در میان عرفا وجود داشت. برخی از آنان ازدواج را عامل اصلی عصیان، دوری از خداوند و دنیاپرستی دانسته و بر ممانعت و پرهیز از عشق مجازی و توجه به عشق حقیقی تأکید داشتند و ثمره این روگردانی را رسیدن به مقامی بالاتر از مقام پیامبرانی چون حضرت یوسف علیه السلام می دانستند؛ به عبارت دیگر، در این رؤیاها، عرفا حتی از مقام پیامبران هم سبقت و پیشی می گرفتند؛^۳ برای نمونه، اردستانی آورده است که شیخ یوسف رازی

۱. جامی، نفحات الأنس من حضرات القدس، ص ۵۷۸.

۲. بدخشی، خلاصة المناقب، ص ۲۶۴.

۳. ابن جوزی، تلبیس ابلیس، ص ۲۹۴.





(د. ۳۰۳ یا ۳۰۴ ق)، دوازده سال عاشق دختری تازی بود. چون به معشوق رسید، از ترس حق از سر آرزوی نفس بگذشت و روی از دختر عرب گردانید و در خرابه‌ای رفت و خوابش گرفت. حضرت یوسف علیه السلام را در رؤیا دید که عمل او را برتر از کار خود دانست؛ چراکه حضرت نزدیک بود که توسط زلیخا فریفته شود؛ اما او کنترل نفس خود را بر عهده گرفت.^۱

دسته دوم، رویکرد و نگرش مثبت به ازدواج و فرزندآوری داشتند که برای آنان ثمره‌ای در روز قیامت داشته باشد. این دسته، برای توجیه عمل خود در ازدواج - که از نگاه گروه نخست نادرست بود - متوسل به رؤیا می‌شدند. در این نگرش، صوفیان برای متهم نشدن به دوری از سنت مؤکد نبوی درباره ازدواج، بر تجرد به صورت مطلق تأکید نمی‌کردند؛ بلکه در شرایطی خاص که بیشتر بستگی به احوال سالک داشت، به بحث از جواز ترک تاهل و به تأخیر انداختن آن می‌پرداختند. مواضع مختلف این عرفا، حاکی است از اختلاف مشایخ صوفیه در روش‌های تربیتی و نحوه سیر و سلوکی داشت که برای مریدان خود برمی‌گزیدند. گاه توجه ایشان به تفاوت روحیات انسانی را می‌توان نشانه‌ای دانست از عنایت به فردانیت و تجربه شخصی افراد و نوعی انسان‌محوری در تصوف.

برای نمونه، ابواسحاق ابراهیم حربی (۸۱۵-۸۹۸ م)، تمایلی به ازدواج نداشت و به این کار، رضایت نمی‌داد؛ تا اینکه روزی با دیدن رؤیایی، ازدواج نمود. وی علت این کار را سبقت فرزند بر خود معرفی کرد تا خداوند فرزندی نصیبش نماید و سپس، او را بگیرد تا در آخرت پیشتاز ابواسحاق باشد؛ چراکه در رؤیا دیده بود که قیامت برپا شده و او و دیگران از تشنگی در حال هلاک بودند. کودکانی در میان جمعیت محشر، کوزه به دست به مردم آب می‌دادند. او از یکی از اطفال درخواست آب نموده بود. آنان در جواب گفته بودند: «تو در میان ما فرزندی نداری تا به تو آب دهد و ما فقط به پدرانمان آب می‌دهیم.» از آنان پرسیده بود: «شما کیستید؟» گفته بودند: «اطفال وفات‌یافته مسلمانان هستیم.»^۲

شبی در خانقاه، علی همدانی (۷۱۴-۷۸۶ ق) به خواب فرو رفت و در رؤیا از شیخ محمد اذکانی اسفراینی، باز سفیدی دریافت کرد و بسیاری از اولیاءالله که آنجا بودند، به او تبریک

۱. اردستانی، مرآت الافراد، ص ۲۱۳.

۲. شهید ثانی، آرام‌بخش دل داغدیدگان، ص ۹۳.





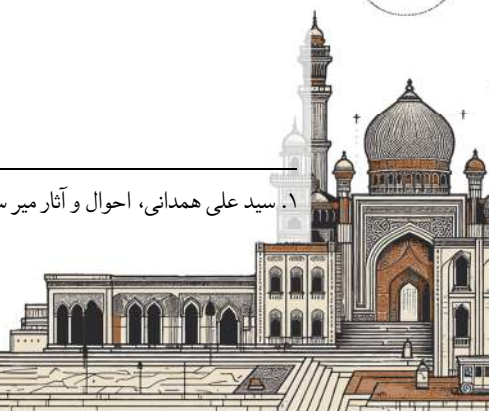
و تهنیت گفتند. علی همدانی، تعبیر آن رؤیا را داشتن فرزند درک کرد و به حکم این رؤیا ازدواج نمود و بعد از بیست سال، سید محمد در سال ۷۷۴ ق به او داده شد.^۱

نتیجه گیری

عرفا و متصوفه، از رؤیا به عنوان منبع الهام، برای حل بسیاری از مسائل خود استفاده می کردند و برای آن، ارزش فراوانی قائل بودند. نتایج این بررسی، نشان داد که رؤیا در زندگی عرفا دارای اهمیت زیادی بوده است و کاربردهای متفاوتی برای عرفا داشته است و از آن به عنوان وسیله ای برای پیشبرد اهداف خویش استفاده می کردند. در واقع، عرفا که مدعی ارتباط با نیروهای فرا بشری بودند، برای قوت بخشیدن به این ارتباط، به رؤیا متوسل می شدند و ادعا می کردند از این طریق، با ماوراء طبیعت مرتبط هستند و این کار را برای کسب قدرت و آبرو نزد سلاطین و مردم عادی می کردند. بعضی از عرفا که ادعای اصلاح جامعه را داشتند، در مواردی از طریق رؤیا مدعی مهدویت شدند. همچنین، عرفا و صوفیه در مواردی، پاسخ بسیاری از سؤالات را به رؤیاهایی که دیده بودند یا قرار بود ببینند، منوط می کردند. علاوه بر این، تصمیم گیری درباره امور مختلف، از جمله پیروی از یک استاد صوفی و هدایت افراد به سوی مرید و مرشد، از طریق رؤیا به دست می آمد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. سید علی همدانی، احوال و آثار میر سید علی همدانی (شش رساله)، ص ۳۱.





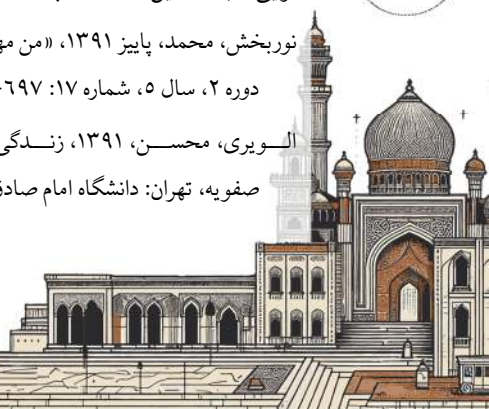
منابع

- (ناشناس)، ۱۳۷۶ش/۱۹۹۸م، تذکره بغراخانی (تذکره مشایخ اویسیه)، مصحح: محمد منیر عالم، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ابن ترکه اصفهانی، صائن‌الدین علی، ۱۳۸۴، شرح نظم الدر (شرح قصیده ثانیه ابن‌فارض)، مصحح: اکرم جودی نعمتی، تهران: میراث مکتوب.
- ابن جوزی، ابوالفرج، بی‌تا، تلبیس ابلیس، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: نشر دانشگاهی.
- احمدی، نزهت، ۱۳۸۸، رؤیا و سیاست در عصر صفوی، تهران: تاریخ ایران.
- اردستانی، پیر جمال، ۱۳۷۱، مرآت الأفراد، به کوشش: حسین انیسوی‌پور، تهران: زوار.
- افراسیابی، غلامرضا، بهار ۱۳۸۴، «منابع وقواعد تعبیر رؤیا در متون حکمی و عرفان»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست‌ودوم، شماره اول (پیاپی ۴۲): ۱۳۸-۱۴۸.
- بدخشی، نورالدین جعفر، ۱۳۷۴، خلاصه المناقب، مصحح: سیده اشرف ظفر، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ترکمنی آذر، پروین، ۱۳۸۳، تاریخ سیاسی شیعیان اثنی‌عشری در ایران، تهران: شیعه‌شناسی.
- ثروت، منصور، ۱۳۸۸، «رؤیا و نقش آن در متون عرفانی به قلم زبان و ادب فارسی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۲۱۱.
- جامی، عبدالرحمن، ۱۳۷۰، نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص، مصحح: سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- جامی، عبدالرحمن، بی‌تا، نفحات الأنس من حضرات القدس، به کوشش: مهدی توحیدی‌پور، بی‌جا: کتاب‌فروشی محمودی.
- جعفریان، رسول، ۱۳۸۸، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، تهران: علم.
- جوهرچی، علیرضا و علیرضا نبی‌لو، زمستان ۱۳۹۸، «بررسی نقش و جایگاه شیخ در طریقت کبرویه و مقایسه آن با دیدگاه شیعی»، شیعه‌شناسی، سال هفدهم، شماره ۶۸.
- حافظ ابرو، ۱۳۸۰، زبدة التواریخ، تصحیح: سید کمال حاج سید جوادی، تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خوارزمی، کمال‌الدین حسین، ۱۳۸۴، ینبوع الأسرار، مصحح: مهدی درخشان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، ۱۳۶۲، تاریخ حبیب السیر فی أخبار افراد بشر، به کوشش: محمد دبیر سیاقی، بی‌جا: کتاب‌فروشی خیام.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، ۱۳۷۲، مآثر الملوک، محقق: میرهاشم محدث، تهران: رسا.
- دانشگاه کمریج، ۱۳۷۹، تاریخ ایران در دوره تیموریان، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: جامی.
- دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن، ۱۴۰۹ق، ارشاد القلوب، قم: بی‌نا.





- رضوان طلب، ۱۳۷۳، رؤیا از نظر دین و روان شناسی، قم: شفق.
- سمرقندی، دولتشاه بن بختیشاه، ۱۳۸۲، تذکرة الشعراء، تهران: اساطیر.
- شعبانی، امامعلی، ۱۳۹۴، عباسیان؛ رؤیا و سیاست، اراک: دانشگاه اراک.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۳۸۰، آرام بخش دل داغدیدگان (مسکن الفؤاد)، مترجم: حسین جناتی حسین، تهران: روح.
- شوشتری، نورالله، ۱۳۷۷، مجالس المؤمنین، تهران: انتشارات اسلامی.
- شیخ نوری، محمدمامیر، ۱۳۸۲، «نهضت حروفیه در ایران»، مجله نامه انجمن، شماره ۹.
- صفا، ذبیح الله، ۱۳۶۴، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: انتشارات فردوسی.
- کاشفی، فخرالدین علی، ۲۵۳۶ شاهنشاهی، رشحات عین الحیات، به کوشش: علی اصغر معینیان، تهران: بنیاد نیکوکاری نوربانی.
- کمیلی، مختاری، ۱۳۸۱، «رؤیا و تعبیر آن در متون عرفانی و تفسیری تا اواخر قرن ششم هجری»، مجله دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز.
- کمیلی، مختاری، ۱۳۸۷، «خواب نامه نویسی در زبان و ادبیات فارسی؛ سیری در مهم ترین خواب نامه های فارسی»، پژوهش های ادب عرفانی (گوهر گویا)، شماره ۸، سال دوم: ۱۳۵-۱۵۸.
- کمیلی، مختاری، تابستان ۱۳۹۰، «تعبیر سلطانی و فواید زبانی و مردم شناختی آن»، نامه فرهنگستان، شماره ۴۶.
- کوبین، شعله، آبان و آذر ۱۳۷۹، «رؤیا های شیخ صفی الدین و تاریخ نوشته های صفوی»، ترجمه: منصور چهارزی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۳۷ و ۳۸: ۱-۱۲.
- معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ معین، تهران: زرین.
- منز، بئاتریس فوربز، ۱۳۹۰، قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری، ترجمه: جواد عباسی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ناصری داوودی، عبدالمجید، ۱۳۷۸، تشیع در خراسان عهد تیموریان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- نجفی، عیسی و قدرت الله علیرضایی، تابستان ۱۳۹۵، «خاستگاه و منشأ خواب های مشایخ در تذکرة الأولیاء»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، شماره ۲۲، سال دهم: ۲۵۹-۲۹۲.
- نویی، عبدالحسین، ۱۳۷۹، رجال کتاب حبیب السیر، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- نوربخش، محمد، پاییز ۱۳۹۱، «من مهدی هستم؛ ترجمه رساله الهدی»، به کوشش: رسول جعفریان، پیام بهارستان، دوره ۲، سال ۵، شماره ۱۷: ۶۹۷-۷۱۲.
- الویری، محسن، ۱۳۹۱، زندگی فرهنگی و اندیشه سیاسی شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.





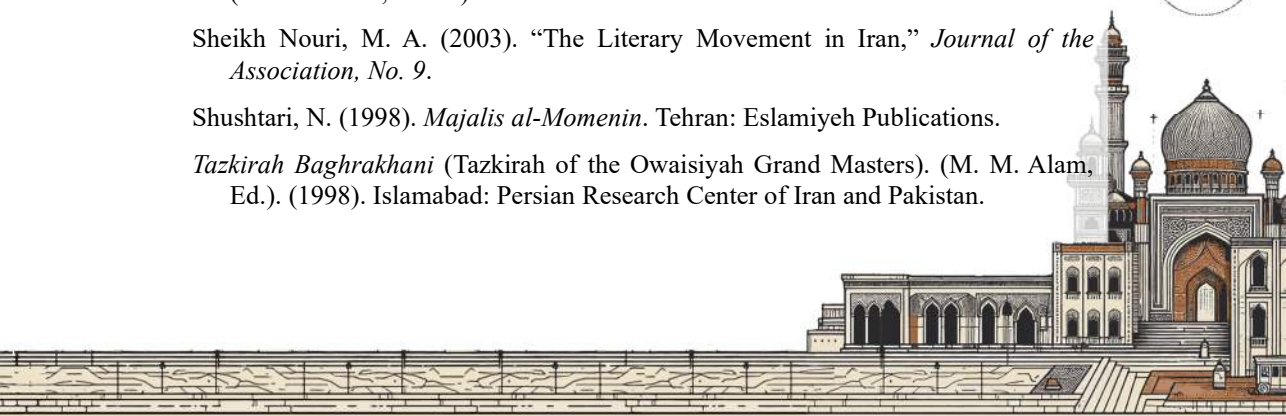
References

- Afrasiabi, Gh. (2005). "Sources and rules for interpreting dreams in jurisprudential and mystical texts," *Journal of Social and Human Sciences of Shiraz University*, 1(42), 138-148.
- Ahmadi, N. (2009). *Dreams and politics in the Safavid era*. Tehran: Tarikh e-Iran.
- Al-Khwarizmi, K. D. H. (2005). *Yanbu' al-Asrar* (M. Derakhshan, Ed.). Tehran: Association of Cultural Works and Honors.
- Alwiri, M. (2012). *Cultural life and political thought of the Shiites from the fall of Baghdad to the rise of the Safavids*. Tehran: Imam Sadeq University (A. S).
- Ardestani, P. J. (2012). *Mirat al-afrad* (H. Anisipour, Ed.). Tehran: Zavar.
- Badakhshi, N. J. (1994). *Khulasat al-Manaqib* (S. A. Zafar, Ed.). Islamabad: Persian Research Center of Iran and Pakistan.
- Cambridge University. (2000). *History of Iran in the Timurid Period* (Y. Ajhand, Trans.). Tehran: Jami.
- Daylami, H. A. H. (1989). *Guidance of the Hearts*. Qom: n.p.
- Hafez, E. (2001). *Zubdat al-Tawarikh* (S. K. H. S. Javadi, Ed.). Tehran: Culture and Islamic Guidance.
- Ibn-e-Jawzi, A-F. (n.d.). *Talbis Iblis* (A. Zakavoti Qaragazloo, Trans.). Tehran: University Press.
- Ibn-e-Tarkeh Isfahani, S. A. D. A. (2005). *Sharh e-nazm al-dorr; Commentary on Ibn Farid's Qasidah Ta'iyeh* (A. Joudi Nemati, Ed.). Tehran: Mirath e-Maktoob.
- Jafarian, R. (2009). *History of Shiism in Iran, from the beginning to the advent of Safavids*. Tehran: Elm.
- Jami, A. (2009). *Criticism of texts in the description of the role of the al-Fusūs* (S. J. A. Ashtiani, Ed.). Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance.
- Jami, A. (n.d.). *Nafahat al-ons men hazarat al-qods* (M. Tohidipoor, Ed.). n.p.: Mahmoodi Bookstore.
- Joharchi, A., & Nabilu, A. (2019). "Investigating the role and position of the Sheikh in the Great Path and comparing it with the Shiite perspective," *Shiite Studies*, 17(68).
- Kashfi, F. D. A. (2006). *The Imperial Essays on the Essence of Life* (A. Moinian, Ed.). Tehran: Nouriani Charity Foundation.
- Khwandmir, Gh. D. H. D. (1993). *Ma'ather al-Moluk* (M. H. Mohaddeth, Ed.). Tehran: Rasa.





- Khwandmir, Gh. D. H. D. (2003). *Tarikh Habib al-Sir fi Akhbar al-Affrad al-Bashr* (M. D. Siyaghi, Ed.). n.p.: Khayyam Bookstore.
- Komeily, M. (2002). "Dreams and their interpretation in mystical and exegetical texts until the late sixth century AH," *Journal of the Faculty of Persian Language and Literature, Shiraz University*.
- Komeily, M. (2008). "Writing dreambooks in Persian language and literature; A journey through the most important Persian dreambooks," *Studies in Mystical Literature (Gohar Goya)*, No. 8, 135-158.
- Komeily, M. (2011). *Sultani Interpretation and Its Linguistic and Anthropological Benefits*. Farhangestan Letter, No. 46.
- Menz, B. F. (2011). *Authority, Politics and Religion in Iran in the Timurid Era* (J. Abbasi, Trans.). Mashhad: Ferdowsi University.
- Moeen, M. (2007). *Moeen Dictionary*. Tehran: Zarrin.
- Najafi, I., & Alirezaee, Q. (2016). "The Origin and Source of the Dreams of the Elders in the Memoirs of the Saints," *Mystical and Mythological Literature*, 22(10), 259-292.
- Nasseri Daviidi, A. (1999). *Shiism in Khorasan in the Timurid Era*. Mashhad: Astan Qods Razavi.
- Navace, A. H. (1990). *Rejal Ketab Habib al-Sir*. Tehran: Association of Cultural Works and Honors.
- Noorbakhsh, M. (2012). "I am the Mahdi; (Trans. the Message of Al-Huda," Ed. R. Jafarian). *Payam Baharestan*, 5(17), 697-712.
- Quin, Sh. (2000). *Sheikh Safioddin dreams and Safavid historiography* (M. Chehrazai, Trans.). Ketab Mah: History and Geography, 37-38.
- Rezvan-Talib. (1994). *Dream from the perspective of religion and psychology*. Qom: Shafaq.
- Safa, Z. (2005). *History of Literature in Iran*. Tehran: Ferdowsi Publications.
- Samarqandi, D. B. (2003). *Tazkirat al-Shoara*. Tehran: Asatir.
- Shabani, I. A. (2015). *Abbasian; Dream and Politics*. Arak: Arak University.
- Shahid Thani, Z. D. A. (2001). *Soothing the Heart of the Afflicted* (Meskane al-Fu'ad) (H. J. Hossein, Trans.). Tehran: Ruh.
- Sheikh Nouri, M. A. (2003). "The Literary Movement in Iran," *Journal of the Association*, No. 9.
- Shushtari, N. (1998). *Majalis al-Momenin*. Tehran: Eslamiyeh Publications.
- Tazkirah Baghrakhani* (Tazkirah of the Owaisiyah Grand Masters). (M. M. Alam, Ed.). (1998). Islamabad: Persian Research Center of Iran and Pakistan.





Tharwat, M. (2009). "Vision and its role in mystical texts written by Persian language and literature," *Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Tabriz*, No. 211.

Torkamani Azar, P. (2004). *Political history of the Twelvers in Iran*. Tehran: Shiite Studies.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





پروژه، نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

